



## سیره زیارتی علمای شیعه

محمود شریفی

یکی از مسائل قابل توجه و سازنده در زندگی علما اهتمام ایشان بر امر زیارت است. وقتی زندگی این بزرگان را مرور می‌کنیم، به نکات جالب و زیبایی در این مورد برمی‌خوریم که در این نوشتار نمونه‌هایی از آن را می‌خوانیم.



### ملاصدرا

یکی از بزرگان در مورد مرحوم ملاصدرا چنین می‌نویسد:

بدان چنان که از بعضی مشایخ خود شنیدم، مرحوم ملاصدرا به واسطه بعضی از ابتلائات، از مقام خود مهاجرت کرد به دارالایمان قم که عش آل محمد و حرم اهل بیت است و به حکم: «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنَ وَالْبَلَايَا فَعَلَيْكُمْ بِقَمِّ وَحَوَالِيهَا وَنَوَاحِيهَا فَانِ الْبَلَايَا مَرْفُوعَةٌ عَنْهَا» التجا برد به قریه‌ای از قرای قم که در چهار فرسخی قم واقع است موسوم

گاهی که بعضی از مطالب علمیه بر ملاصدرا مشکل می‌گشته، از کهک به زیارت حضرت سیده جلیله فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف می‌شده و از آن حرم مطهر فیض آثار بر او افاضه می‌شده است: «كنت حين تسويدى هذا المقام بکهک من قری قم، فجئت إلى قم زائراً لبنت موسی بن جعفر علیه السلام مستمراً منها وکان يوم الجمع فانكشف لی هذا الأمر بعون الله تعالى».

به کهک (بکافین عربتین کفرش) و گاهی که بعضی از مطالب علمیه بر او مشکل می‌گشته، از کهک به زیارت حضرت سیده جلیله فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف می‌شده و از آن حرم مطهر فیض آثار بر او افاضه می‌شده. وی در حاشیه «اسفار» در این مورد نوشته است: «كنت حين تسويدى هذا المقام بکهک من قری قم، فجئت إلى قم زائراً لبنت موسی بن جعفر علیه السلام مستمراً منها وکان يوم الجمع فانكشف لی هذا الأمر بعون الله تعالى».

### علامه طباطبایی - رحمت الله علیه -

حضرت آیت الله شب‌زنده‌دار درباره مرحوم علامه طباطبایی، صاحب تفسیر وزین «المیزان» چنین گفته است:

مرحوم شهید مطهری می‌فرمود: ارادتی که من به مرحوم علامه طباطبایی دارم، نه به خاطر تخصص و تبحر ایشان در تفسیر و فلسفه است - گرچه آنها هم مهم است - بلکه ارادت من به آن بزرگوار به خاطر ابعاد معنوی و عبادی ایشان است. آن مرحوم وقتی در ماه مبارک رمضان برای زیارت حرم مطهر حضرت معصومه می‌شد با بوسه و زبان زدن به ضریح این بانوی بزرگوار افطار می‌کرد.



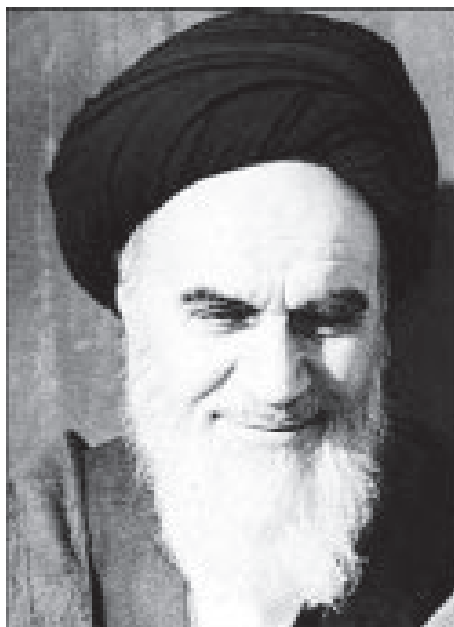
یکی از روزهایی که حرم شلوغ بود، یکی از همراهان مرحوم به ایشان عرض کرد: الآن حرم شلوغ است؛ امروز از زیارت صرف نظر کنید. در جواب فرمود: «ما هم یکی از شلوغ کن‌ها» و برای زیارت مشرف شد و با این جمله به گوینده آموخت که شلوغی حرم نباید ما را از فیض زیارت محروم کند.

ایشان تابستان‌ها که درس‌های حوزه علمیه قم تعطیل بود، به زیارت حضرت امام رضا (ع) مشرف می‌شد و مرتب با آن حالت معنوی و بی‌ریا و همانند زائران دیگر برای زیارت مشرف می‌شد و از دور برای اظهار علاقه به خاندان عصمت و طهارت، در و دیوار حرم را می‌بوسید، تا جایی افراد از این رفتار ایشان تعجب می‌کردند که فیلسوفی مانند ایشان چطور مثل مردم معمولی در و دیوار می‌بوسد!

#### امام خمینی - قدس سره -

امام هنگامی که در نجف بودند، مانند زمان حضورشان در قم، به‌طور مرتب و منظم، طبق برنامه خود به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) مشرف می‌شد و این برنامه هیچ وقت تعطیل‌پذیر نبود.

نقل می‌کنند در یکی از شب‌ها که هوا بسیار سرد و بارانی بود، فرزندش شهید آیت‌الله حاج آقا مصطفی به ایشان می‌گوید: امشب هوا خیلی سرد است؛ امشب به حرم نروید و از همین منزل و بالای پشت بام به حضرت سلام کنید و زیارت بخوانید. امام فوراً در پاسخ می‌فرماید: «این عقیده عوامانه ما را از ما نگیر» و سپس برای زیارت از منزل خارج



می‌شود. مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا فرزند امام می‌گوید:

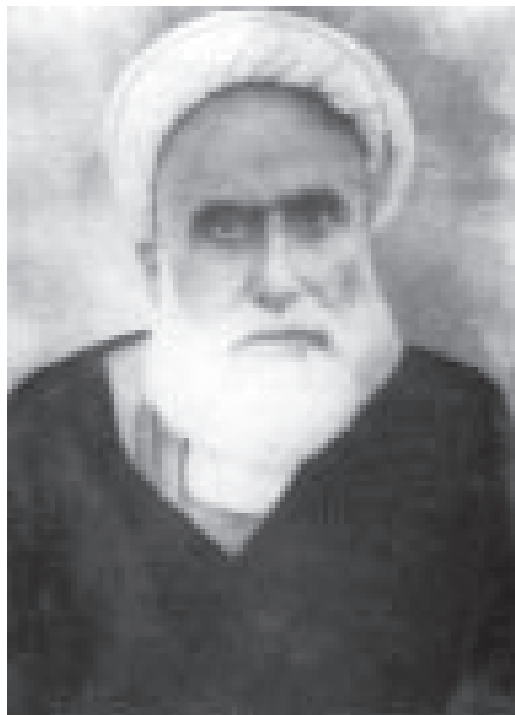
هیچ وقت حرم رفتن امام در نجف ترک نشد؛ مگر یک شب که صدام حکومت نظامی اعلام کرده بود. من با خود گفتم امام امشب به خاطر حکومت نظامی حرم نمی‌رود. در همین اندیشه بودم و به منزل آمدم و دیدم امام در منزل نیست، همه اطراف را گشتیم؛ دیدیم امام رفته پشت بام و آنجا به طرف گنبد و حرم حضرت ایستاده و زیارت می‌کند.

هیچ وقت حرم رفتن امام خمینی در نجف ترک نشد؛ مگر یک شب که صدام حکومت نظامی اعلام کرده بود. من با خود گفتم امام امشب به خاطر حکومت نظامی حرم نمی‌رود. در همین اندیشه بودم و به منزل آمدم و دیدم امام در منزل نیست. همه اطراف را گشتیم؛ دیدیم امام نیست، تا این که رفتیم به پشت بام منزل و دیدیم امام رفته پشت بام و آنجا به طرف گنبد و حرم حضرت ایستاده و زیارت می‌کند.

که به حرم مشرف نشد و از منزل زیارت کرد.

#### مرحوم محدث قمی

روزی آن بزرگوار به دکان قصابی رفته بود که می‌بیند چند نفر سوار اتومبیل هستند؛ یکی از آنها می‌گوید: حاج شیخ! خوب است حالا گوشت نخريد و تا بیرون شهر به بدرقه ما بیایید. به بیرون شهر که می‌روند، یکی از آنها می‌گوید: ما از همین جا حاج شیخ را با خود به حج ببریم. در سه فرسخی شهر به وی می‌گویند: ما پول زیادی به شما می‌بخشیم (گویا هزار تومان آن زمان) که از همین جا با ما حرکت کنید. حاج شیخ از همان جا نامه‌ای به آیت‌الله قمی می‌نویسد و به وسیله چند نفر از آنها پیغام می‌دهد که نمی‌دانم چه کنم؟ مرحوم آیت‌الله قمی که عموی همسر ایشان بوده، لباس برای ایشان می‌فرستد و می‌نویسد: سفر خوبی



احترام محدث قمی نسبت  
به امیرالمؤمنین علیه السلام این طور بود که وقتی  
به حرم مشرف می شد، از پشت سر مبارک  
حضرت وارد می شد تا اول قسمت بالاسر، و از آن جا  
دیگر جلوتر نمی رفت و دوباره از پیش روی مبارک حضرت  
برمی گشت تا اول قسمت بالاسر. من هیچ وقت ندیدم که از  
قسمت بالاسر حضرت عبور کند. نه تنها در خود حرم، حتی از  
رواق هم نمی رفت. اگر هم در صحن مجبور می شد از بالاسر  
عبور کند، کفش هایش را درمی آورد و با سرعت می گذشت.  
چون ایشان احتمال می دادند که سر مقدس  
حضرت سیدالشهداء علیه السلام در بالاسر حضرت  
امیرالمؤمنین علیه السلام دفن شده باشد؛ لذا  
بیشتر احترام می کردند.

است؛ بروید، التماس دعا. آن چند نفر به منزل  
حاج شیخ می روند و گوشتی را که خریده  
بود، به منزل ایشان می دهند و پول هم  
می دهند و برمی گردند و با حاج شیخ  
و دیگران که در سه فرسخی بودند،  
راهی سفر می شوند، و این سفر سوم  
آن مرحوم در سال ۱۳۴۱ قمری  
بوده است.

مرحوم حاج میرزا علی محدث زاده،  
فرزند بزرگ ایشان می گوید:

مرحوم پدرم نسبت به اهل بیت، به ویژه  
آقا امیرالمؤمنین علیه السلام اخلاص و ارادت خاص  
داشت. مگر می شد بدون وضو نام ائمه را ببرد  
یا قلمی به دست بگیرد و چیزی بنویسد. احترام ایشان

نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام این طور بود که وقتی به حرم مشرف می شد و من مکرر در  
خدمتشان بودم، از پشت سر مبارک حضرت وارد می شد تا اول قسمت بالاسر، و از آن جا  
دیگر جلوتر نمی رفت و دوباره از پیش روی مبارک حضرت برمی گشت تا اول قسمت  
بالاسر. من هیچ وقت ندیدم که از قسمت بالاسر حضرت عبور کند. نه تنها در خود حرم،  
حتی از رواق هم نمی رفت. اگر هم در صحن مجبور می شد از بالاسر عبور کند، کفش هایش  
را درمی آورد و با سرعت می گذشت.

این موضوع یک علت دیگر هم داشت. چون ایشان احتمال می دادند که سر مقدس  
حضرت سیدالشهداء علیه السلام در بالاسر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دفن شده باشد؛ لذا بیشتر احترام  
می کردند.

البته فقها فتوا می دهند که نماز در بالاسر حضرت باطل است؛ چون مقدم بر امام است؛ لکن  
ایشان اصلاً آن طرف نمی رفتند. روزی که جنازه ایشان را در حرم مطهر به سمت بالاسر  
بردند، من گفتم ظاهراً این اولین باری بود که ایشان را بالاسر می برند؛ چون خودشان اصلاً  
نمی رفتند

مرحوم سید شرف الدین

ایشان هنگامی که در زمان عبدالعزیز آل سعود به زیارت خانه خدا مشرف شد، از علمایی

بود که به کاخ پادشاه دعوت شد تا طبق معمول در عید قربان به او تبریک بگویند. هنگامی که نوبت به وی رسید، دست شاه را گرفت و هدیه‌ای به او داد. هدیه‌اش قرآنی در جلدی پوستی بود. ملک هدیه را گرفت و بوسید و برای احترام و تعظیم بر پیشانی خود گذاشت.

سید شرف‌الدین ناگهان گفت: ای پادشاه! چگونه این جلد را می‌بوسی و تعظیم می‌کنی، در حالی که چیزی جز پوست یک بز نیست؟!

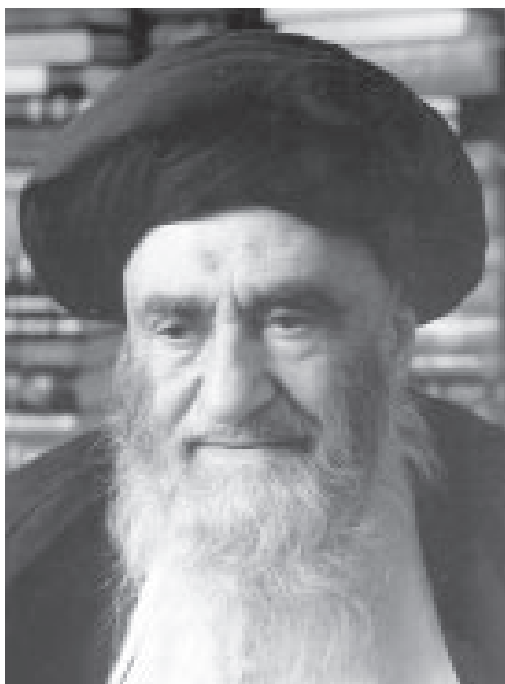
ملک گفت: غرض من قرآن است که داخل این جلد قرار دارد، نه خود جلد!

مرحوم سید شرف‌الدین فوراً گفت: احسنت ای پادشاه! ما هم وقتی پنجره یا در اطاق پیامبر را می‌بوسیم، می‌دانیم که آهن هیچ کاری نمی‌تواند بکند؛ بلکه غرض ما آن کسی است که ماورای این آهن و چوب قرار دارد. ما می‌خواهیم رسول الله ﷺ را تعظیم و احترام نماییم؛

همان گونه که شما با بوسه زدن بر پوست بز، می‌خواستی قرآنی را تعظیم کنی که داخل آن پوست قرار دارد.

در این هنگام حاضران تکبیر گفتند و او را تصدیق نمودند و ملک ناچار شد اجازه دهد که حجاج به آثار رسول خدا تبرک جویند، ولی آن که پس از او آمد، به قانون گذشته بازگشت.

آیت‌الله مرعشی نجفی - رحمت الله علیه -  
حضرت آیت‌الله شبزنده‌دار درباره‌ی ایشان به‌طور مداوم به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف می‌شد. خود ایشان می‌فرمود:



شصت سال است که هر روز من اولین زائر حضرتیم. از ایشان نقل شده که فرمود: شب زمستانی بود که من دچار بی خوابی شدم؛ خواستم به حرم بروم، دیدم بی موقع است؛ آمدم خوابیدم. دست خود را زیر سرم گذاشتم که اگر خوابم برد، زودتر بیدار شوم و خواب نمانم. در عالم خواب دیدم خانمی وارد اطاق شد و به من فرمود: «سید شهاب! بلند شو و به حرم برو؛ عده‌ای از زوار من در پشت درب حرم از سرما هلاک می‌شوند؛ آنها را نجات بده.» من به طرف حرم به راه افتادم. وقتی پشت درب شمالی حرم رسیدم، دیدم در میدان آستانه عده‌ای از زوار پاکستانی یا هندی با لباس‌های مخصوص خودشان، از شدت سرما به خود می‌لرزند. درب حرم مطهر را زدم؛ حاج آقا حبیب - که جزو خدام حرم بود - با اصرار من در را باز کرد و ابتدا من و آنها پشت سرم وارد حرم شدند.

#### مرحوم آیت‌الله

شیخ مرتضی حائری - رحمت الله علیه -

حضرت آیت‌الله شب‌زنده‌دار دربارهٔ مرحوم حائری علاقهٔ فراوانی به زیارت امام رضا علیه السلام داشت. ایشان همواره در پی فرصتی برای زیارت آن امام بود. حتی در ایام درسی وقتی حوزه دو سه روز به مناسبتی تعطیل می‌شد، به زیارت آن حضرت می‌رفت. حضرت آیت‌الله شب‌زنده‌دار در مورد ایشان می‌گوید: او هنگام تشریف به حرم امام رضا علیه السلام نسبت به زائران خیلی تکریم از خود نشان می‌داد و به آنان احترام می‌گذاشت و زائر حضرت را هر چند از افراد معمولی بود، بزرگ می‌شمرد. او همواره سعی می‌کرد تا



هنگام زیارت در میان مردم عادی بنشیند و امام را زیارت کند. خودش می‌گفت: احترام به زائران، احترام به آن حضرت است و موجب خشنودی آن امام است.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار فرمود: علت این احترام، این بود که خود مرحوم آیت‌الله حائری نقل می‌کرد یکی از زائران حضرت رضا علیه السلام یک‌بار به مشهد مقدس مشرف شده و اطاقی در خانه‌ای اجاره کرده بود و مرتب به زیارت حضرت مشرف می‌شد. او دید که در طبقه دیگر، فردی مدت‌هاست در مجاورت حرم مطهر امام رضا علیه السلام ساکن شده، ولی در عین حال

## آیت الله شیخ مرتضی

حائری، هنگام تشریف به حرم  
امام رضا علیه السلام نسبت به زائران خیلی  
تکریم از خود نشان می داد و به آنان احترام  
می گذاشت و زائر حضرت را هر چند از افراد  
معمولی بود، بزرگ می شمرد. او همواره سعی  
می کرد تا هنگام زیارت در میان مردم عادی  
بنشیند و امام را زیارت کند. خودش می گفت:  
احترام به زائران، احترام به آن حضرت  
است و موجب خشنودی آن  
امام است.

بیش از او به حرم مشرف می شود و آداب زیارت  
را بهتر از او به جا می آورد و زیارتها را هم  
بیشتر طول می دهد. یکروز به حال او غبطه  
خورد و تصمیم گرفت که او هم با آداب  
مخصوص مثل غسل و خواندن اذن دخول  
و... به حرم مشرف شود. می گفت یکروز  
صبح آداب و مقدمات لازم را انجام دادم و  
به حرم رفتم. وقتی خواستم وارد حرم مطهر  
شوم، یکی از آقایان را دیدم که از حرم خارج  
می شود. نزدیک آمد و با من بسیار گرم گرفت، ولی  
من که می خواستم اذن دخول بخوانم و با حال وارد حرم  
بشوم، با او خیلی سرد برخورد کردم. بعد وارد حرم شدم و به نظر خودم زیارت باحالی کردم  
و از حرم بیرون آمدم و دیدم آن همسایه مجاور هنوز از حرم نیامده است. پس از مدتی او  
هم آمد و مرا با اسم و بدون احترام و القاب صدا کرد و گفت: فلانی! حضرت فرمود: دیگر به  
زیارت من نیا! تا این جمله را گفت، فهمیدم که برخورد سرد من با آن زائر امام رضا علیه السلام که  
با من آشنا بود، امام ناراحت کرده و چنین دستوری داده اند. از این رو حرکت کردم و رفتم با  
هر زحمتی بود، با این که آدرسی از او نداشتم، او را یافتم و عذرخواهی کردم و بالاخره او را  
راضی کردم؛ ولی به حرم نرفتم تا این که روز بعد همان همسایه وقتی از حرم برگشت، مرا  
با احترام صدا کرد و گفت: امام علیه السلام فرمود: حالا به زیارت من بیا.

مرحوم آیت الله احمدی میانجی - رحمت الله علیه -  
آن بزرگوار در امر زیارت، تعادل داشت و هرگز  
افراط و تفریط در این مورد از ایشان مشاهده  
نشد. ایشان در مسافرت های زیارتی که به  
صورت کاروانی مشرف می شد، مقید بود تا سر  
وقت در همه جا حاضر شود و حقوق همسفران  
را رعایت کند و همیشه تابع مقررات کاروان بود.  
فرزند ایشان می گوید: در طول مسافرت هایی که  
بنده در خدمت ایشان بودم، بسیار متعادل بود و





برنامه زیارتی ایشان حدود ۴۵ الی ۶۰ دقیقه طول می کشید و بعد از حرم خارج می شد. در طول سفرهای زیادی که همراه ایشان بودم، حتی یکبار هم ندیدم که ایشان خود را در حرم خسته کند؛ مثلاً شبها را تا صبح در حرم بماند. حتی در زیارت بیت الله الحرام هم سیره همیشگی را مراعات می کرد و نظرشان این بود که انسان باید همیشه در حال انجام وظیفه باشد. می فرمودند: در سفر اولی که به حج مشرف شدیم، هنگام بازگشت به عتبات عالیات آمدیم و دهه اول محرم شد. یکی از همسفران ما مرحوم علوی مراغه‌ای از علمای سرشناس مراغه بود. وقتی به کربلا رسیدیم و روز اول زیارت کردیم، آن مرحوم گفت که دیگر زیارت بس است و من باید به مراغه برگردم و وسایل خود را برداشتم و راهی ایران شد و ما هر چه اصرار کردیم و گفتیم بعد از چند سال خداوند زیارت امام حسین علیه السلام را نصیب ما کرده، چرا می خواهید این فرصت را از دست بدهید؟! ایشان قبول نکرد و گفت: تبلیغ و ارشاد در ماه محرم، از زیارت مهم تر است و من هر سال در این ایام در شهر مراغه مراسم عزاداری و تبلیغ دارم و باید بروم و به وظیفه ام عمل کنم.

### علما و زیارت

عالمان بزرگ، بیشتر بر زیارت باطنی اهتمام می ورزیدند تا زیارت ظاهری. یکی از بزرگان وقتی به حرم امیر مؤمنان علیه السلام مشرف می شد، رو به حضرت و پشت به قبله می نشست و چشمانش را به ضریح آن حضرت می دوخت و مدتی طولانی به همین حالت بود و در عالم معنا با آن حضرت ارتباط روحی و قلبی پیدا می کرد.

با مطالعه و بررسی زندگی و سیره علما به این نکته پی می بریم که بسیاری از ایشان به قصد زیارت قبور ائمه یا قبور فرزندان آنان به شهری رفته و پس از زیارت، دیگر حاضر نشدند آن شهر را ترک کنند و برای همیشه و تا آخر عمر مجاور حرم آن بزرگوار شدند و گاه در آن شهر، حوزه علمی تأسیس کرده و همان جا به تربیت شاگردان پرداخته اند. لذا می بینیم بیشتر حوزه های علمیه در شهرهایی واقع شده که محل قبور ائمه معصومین یا فرزندان آنان می باشد.

نگارنده، علما و فضایی بسیاری را می شناسد که پیوسته و هر روز، بلکه بعضی از آنان در هر سه وقت نماز به حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام مشرف می شوند و پیش از خواندن نمازهای واجب یا پس از نمازها موفق به زیارت می شوند. بالاتر این که افراد روشن دلی از فضلا هستند که هر روز برای نماز صبح و زیارت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام به حرم مطهر مشرف می شوند.

امید است خداوند توفیق بهره برداری بیشتر از چشمه معنوی زیارت اهل بیت را به همه زائران عنایت فرماید.